



آن قدر از بحران آب غافلیم که وزیرمان وعده افزایش ۵ میلیون تن محصول داده و قرار بود در سال جاری ۳ میلیون تن گندم دیم به‌عمل آید، ولی تقدیر در کمین بود و شرایط به‌گونه‌ای رقم خورد که دام‌های گرسنه بر دبیزارها می‌چرند....

دکتر هاشم اورعی - استاد دانشگاه صنعتی شریف

در اندیشه ایرانیان درباره آفرینش جهان، اهورا مزدا مادر حیات است و برای از بین بردن ظلمت با پنج فرزند خویش آب، آتش، هوا، باد و روشنایی برای جنگ با اهریمن فرود می‌آید، بدین‌ترتیب در ایران آب همیشه از تقدس و اهمیت خاصی برخوردار بوده‌است.

نیاکان ما نیز تلاش نکردند محیط‌زیست خود را تغییر دهند بلکه با آن کنار آمده و سازگار شدند، در دوران معاصر همیشه آثار کم‌آبی در سیمای این سرزمین مشهود بوده و هیچ‌گاه خاک مرز پُرگهرمان سیراب نبوده است. به‌همین دلیل آثار کم‌آبی همیشه در چهره فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور نمایان بوده‌است. بدین ترتیب انتظار معرفت نسل فعلی با آگاهی از این واقعیات تاریخی، آب را ذکویت دانسته و جرعه‌ای برای نسل‌های آینده به ارمغان گذارد. مناسبانه چنین نیست و به‌نظر می‌رسد نسل‌های آینده سرایی بیش از ما به ارث نخواهند برد و امروز شاهد آنیم که در قالب توسعه به شکلی نامتوازن و خارج از توان اکولوژیک سرزمین در ستیز با طبیعت قرار گرفته‌ایم.

اما چرا چنین است؟ به‌رغم تشنگی شدیدی که پیش رو داریم توده مردم از عمق این بحران اطلاع کافی ندارند، کودکان و نوجوانان ما در فضایی رشد می‌کنند که دیوارهای آن‌را شعارهای دلفریبی چون «ایران کشوری سرشار از منابع طبیعی است» پُر کرده است. چنین شعارهایی مصرف‌گرایی را تقویت می‌کند، درحالی که در ژاپن به کودکان مأمورند که کشورشان با کمبود منابع روبروست و باید در استفاده از منابع صرفه‌جویی کنند. آنها به‌خوبی با این اصل اکوفیزیولوژیک آشنایند که کارایی و مصرف‌آب و عناصر غذایی در گیاهان در شرایطی که گیاه با کمبود آنها مواجه است بیشتر می‌شود. لذا مشکل ما در نحوه استفاده از آب بیشتر فرهنگی است تا فنی. باید بحرانی بودن مسأله آب را به جامعه منتقل کنیم و از سیاسی شدن آن نهراسیم.

در قرن بیستم جمعیت جهان ۴ برابر ولی مصرف آب ۹ برابر شده‌است و بدین ترتیب فشار جمعیت برمقدار آب موجود به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. آمار مربوط به مصرف آب در اروپا نشان می‌دهد که ۳۰٪ به بخش کشاورزی، ۵۹٪ صنعت و ۱۱٪ به آب شرب اختصاص دارد درحالی‌که در ایران این ارقام به ترتیب ۲، ۸ و ۹۰٪ است. بدین ترتیب ۹۰٪ آب مصرفی کشور در بخش کشاورزی سنتی و غیراستاندارد هدر رفته و مشکل اصلی بهره‌وری پایین در این بخش است.

متوسط بارندگی سالانه در جهان ۸۶۰ میلی‌متر و در ایران ۲۴۰ میلی‌متر یعنی تنها ۲۸٪ متوسط جهان است و توزیع مکانی آن نیز بسیار نامناسب است به‌طوری‌که نیمی از کشور از ۲۴٪ و نیم دیگر از ۷۶٪ بارش بهره‌مند می‌گردد. بارزترین وجه شرایط آب در کشور ضعف مدیریت و برنامه‌ریزی است. از یک طرف شاهد آنیم که کشاورزی کوچکترین بخش اقتصاد بوده و تنها ۸،۳٪ از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است و از طرف دیگر ۹۰٪ آب کشور در این بخش مصرف می‌شود. مسئولین بخش کشاورزی باید به فکر دگرگونی بنیادین و تدوین نقشه راه با مشارکت صاحب‌نظران برای ایجاد پایداری در نوسانات اقلیمی پیش رو باشند.

آن قدر از بحران آب غافلیم که وزیرمان وعده افزایش ۵ میلیون تن محصول داده و قرار بود در سال جاری ۳ میلیون تن گندم دیم به‌عمل آید، ولی تقدیر در کمین بود و شرایط به‌گونه‌ای رقم خورد که دام‌های گرسنه بر دبیزارها می‌چرند، نهضت خودکفایی غذایی غیرمنطقی و غیرعلمی زیست‌بوم را در مرحله فروپاشی آبی قرار داده و برنامه اعلام شده مبنی بر افزایش ۳۰ درصدی محصولات کشاورزی و هم‌زمان کاهش ۳۰ درصدی مصرف آب ظرف ۴ سال نیز غیرواقعی بوده و شعاری بیش نیست. البته در مناطق کباب هم می‌توان به کشاورزی پرداخت لیکن این امر نیازمند حکمرانی هوشمندانه است که از برتری ژنتیکی، روش آبیاری، فناوری، مدیریت، اقتصاد مقیاس، سرمایه‌گذاری همه و همه بهره‌گیری، نگاه فسالارانه به آب در چند دهه اخیر به فرهنگ تبدیل شده و نتیجه آن افزایش ۳۰ برابری تعداد سد‌ها از اول انقلاب است. با ساختن ۴۰ سد بر روی ۱۴ رودخانه‌ای که به دریاچه ارومیه می‌ریزند موفق شمیم آن را بخشکانیم! به عبارت دیگر مدیریت منابع آب زیرزمینی را که ۵۷٪ کل آب کشور را تأمین می‌کند رها کرده و با ساختن سد، تصرف حریم رودخانه و بسیاری موارد مشابه دلمان را خوش کرده‌ایم که آبهای روان را مدیریت نمی‌کنیم. در ادامه روش‌های غیرعلمی بحث منابع عظیم آبهای ژرف را بیش می‌کشیم و این پیام را به ملت می‌دهیم که نگران نبوده و آب را ول کنند، درحالی‌که متخصصین منابع آب کشور با دیده تردید به آن می‌نگرند.

وقت آن رسیده که حقایق وضعیت آب کشور را قبول کرده و برای آن برنامه‌ریزی کنیم. قبول کنیم که در ۲۸٪ کشور میزان بارندگی سالانه کمتر از ۱۰۰ میلی‌متر است، ریزش ۴۰٪ باران در فصول غیر زراعی است، به‌رغم داشتن حدود ۱/۱٪ جمعیت و خشکی جهان سهم ما از بارش جهان تنها ۲۶٪ است و بالاخره قبول کنیم که در پی چهاردهه ول کردن و گل کردن آب، کار را به جایی رسانده‌ایم که سالانه حدود ۱۱ میلیارد متر مکعب اضافه برداشت آب از منابع زیرزمینی داریم.

در بعد اجتماعی نیز باید چشمانمان را به این واقعیت بگشاییم که نزارهای منطقه‌ای بر سر آب از هم‌اکنون آغاز شده و امنیت کشور را به چالش جدی کشیده است. باور کنیم که دیم‌کاری با دیم‌کاری متفاوت است، به‌رغم محدودیت‌های شدید در منابع آب برای تولید یک کیلو برنج ۳۴۲۰، گندم ۱۳۵۰ و هندوانه ۵۰۰ لیتر آب مصرف می‌کنیم. طبق آمار منتشر شده طی سه دهه ۳۰ میلیارد دلار پسته صادر شده است ولی ارزش آب مصرفی برای تولید آن ۸۰ میلیارد برآورد می‌شود، چه‌کسی باید این زیان ۵۰ میلیارد دلاری را بپردازد؟ اصل موضوع اینجاست که آب را ملت تأمین کرده و ارزش ناشی از صادرات پسته به جیب بخشی کوچک و خاص از جامعه رفته است!

چه باید کرد؟ با توجه به سهم پایین کشاورزی در اقتصاد ملی باید به ایجاد نظام جامع مدیریت آب در کل زنجیره از تولید تا مصرف همت گمارد. باید این فرهنگ را جا انداخت که خودکفایی در بخش کشاورزی از ابتدا سیاستی غیرواقعی و غیرمنطقی بوده و نمیتوان بار بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی را بر دوش کشاورزی انداخت. باید به خرید آب مجازی روی آوریم و عادت دیرینه خود را مینی بر کشت برنج، هندوانه و بسیاری اقلام دیگر کنار گذاشته و به این واقعیت برسیم که با واردات این اقلام در واقع به مقادیر قابل توجهی آب مجازی دست یافته‌ایم. ضروریست آب از کالای عام به متاعی خاص و با ارزش تبدیل شده و از نظر فرهنگی و ذهنی واحد آن از مترمکعب و لیتر به قطره تبدیل شود. باید مفهوم فضای سبز را تغییر داده و چشمانمان را به بوته‌های زیبای کویری عادت دهیم.

بدون تردید این همه و بسیاری بایدهای دیگر در سازه تدبیر و با برنامه‌ریزی منطقی میسر است و آنچه محظوب عزم ملی و اراده استوار است. در غیر این صورت استقلال کشور را به باد داده و چیزی برای نسل‌های بعد این مرز پرگهر به ارث نخواهیم گذاشت. بیایید آب را ول نکنیم.

(Visited 1 times, 1 visits today)

لینک کوتاه مطلب : <https://jahaneghtesad.com/?p=146839>

گروه امور زیربنایی